

مطالبات جنسیتی از مجلس هشتم



دکتر عباس محمدی اصل

در ایران، ناکارآمدی قدرت در ایجاد اشتغال از دو چهره‌ی مردانه و زنانه برخوردار است. بیکاران مرد در این فضا از هر راهی اعم از مسافرتی و پیوستن به خیل پیک‌های موتوری، لقمه نانی به کف می‌آورند. دختران و زنان اما در بیکاری ناشی از این ناکارآمدی، ستم مضاعفی را تجربه می‌کنند؛ زیرا نه تنها فشار فقدان شغل و روند رو به تزاید تورم یا عدم امکان پرداختن به برخی مشاغل دم دستی مردانه را متحمل می‌شوند، که حتی فشار فرهنگی بازگشت به خانه برای جلوگیری از افزایش فساد اجتماعی را هم می‌چشند. اگر نظام برنامه‌ریزی نیز تکفل آماری زنان را تحت حمایت مردان تعریف کند، ناگزیر شرایط هدایت اجباری جنس دوم به ازدواج فراهم می‌آید و البته در این فضای اجباری، سستی خانواده حتمی خواهد بود. آسیب اجتماعی این وضعیت نیز علاوه بر نفی اعتماد به نفس زن و به هم ریختن مامن خانواده و تضعیف تدبیر منزل از سوی محور زنانه‌ی آن، تا تخریب اخلاق و سیاست مدن هم پیش می‌رود و جامعه را از تحقق توسعه پایدار ناامید می‌سازد.

تحت این شرایط، مطالبات جنسیتی از منتخبان قانونگذاری جامعه، چهره خاصی به خود

می‌گیرد که قاعدتا می‌تواند در شعارها و برنامه‌های انتخاباتی آنان موثر افتد. اولاً مصرف بی‌برنامه و توزیع بی‌نظارت درآمدهای نفتی عامل جلوگیری از تولید اقتصادی و نیز تبدیل دولت از مجری برنامه‌های مجلس به قیم ملت است. در این حال به جای آن که دولت به فکر ایجاد شغل برای زنان و دخترانی باشد که فعلاً حدود دوسوم دانشگاه‌ها را اشغال کرده‌اند، به فکر بازگرداندن آنان به خانه و حفظ نمایشی امنیت اجتماعی ناشی از حضور جنس دوم در میدان شهر و نه ادارات و مدارس به عنوان مهمترین مراکز آزار جنسی می‌افتد. تولید ناچیز نیز با قوانین مردسالار ناظر بر قیمومت زنان، اگر از سهمیه‌بندی جنسیتی تحصیلات دانشگاهی سر در نیاورد، حتماً به تلقی مشارکت زنان بر حسب حضور خانوادگی آنها حکم می‌دهد. از این رو کاهش وابستگی به درآمد نفتی در عین نظارت بر موارد استفاده دولتی از آن بایستی در زمینه اشتغال‌زایی برای زنان، برنامه و قوانین شفاف‌تری ارائه سازد. به عنوان مثال تسویه هزینه‌های نظامی‌گری با هزینه‌های آموزشی و بهداشتی و ایجاد اشتغال به تفکیک دو جنس در این راستا معنی می‌یابد. ثانیاً هدایت سرمایه‌گذاری ثروت نفتی به بخش‌های تولیدی با لحاظ زمینه‌ها و شرایط و قوانین اشتغال برابر جنسیتی، باعث رشد استقلال و اعتماد به نفس آحاد جامعه می‌شود. همین افراد با شکل در اصناف می‌توانند رویکردی واقع بینانه

نسبت به حضور حزبی در انتخابات سیاسی اتخاذ کنند و بر حسب منافع واقعی به انتخاب کارگزاران سیاسی خویش بپردازند یا خود در این عرصه، نامزدی و قانونگذاری و اجرای برنامه‌ای قوانین را تقبل نمایند و مثلاً مجلس را درصد اندکی از زنان مواجه نسازند. بخش خصوصی در این فضا به تولید کیفی و قابل رقابت میل می‌کند و برای افزایش صادرات غیر نفتی، بیش از استخدام خدماتی زنان و دختران، از تخصص آنان بهره می‌گیرد. در نتیجه این اوضاع، نه تنها جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن می‌شود، بلکه تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی هم در حد پاسخ‌گویی به اتهام نقض دموکراسی به واسطه‌ی تبعیض جنس - جنسیتی در سطح ملی تقویت می‌گردد. ثالثاً نظارت بر برنامه‌های اجرایی و عملکرد دولت می‌تواند خصوصاً در ادوار جهش بهای نفت از تصدی‌گری دولت و تحقق سیاست‌های انبساطی مالی - پولی و آن هم البته توسط مردان ممانعت به عمل آورد. این وضعیت در نبود برنامه‌های حضور فعال در اقتصاد جهانی و جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی، از رشد اقتصادی جلوگیری می‌کند و بیکاری و تورم و فقر را به واسطه‌ی برخورداری بی‌حساب از حساب ذخیره‌ی ارزی خصوصاً در میان زنان دامن می‌زند. در این صورت کنترل نقدینگی و کاهش نرخ تورم تحقق نیافته و توان خرید گروه‌های میانی و کم درآمد و از جمله زنان کاسته می‌شود و به این ترتیب بی‌ثباتی اقتصادی و هجوم نقدینگی به بازار دارایی‌ها و تجاری شدن بخش زمین و مسکن با

هدایت سرمایه گذاری ثروت نفتی به بخش های تولیدی با لحاظ زمینه ها و شرایط و قوانین اشتغال برابر جنسیتی، باعث رشد استقلال و اعتماد به نفس آحاد جامعه می شود

کنترل غالب مردانه، چنان افزایش می گیرد که توزیع مجدد ثروت و درآمد را به زیان تهیدستان و به ویژه زنان تبلور بخشد. رابعا در این شرایط، امید به آینده و برنامه ریزی آینده نگر خصوصا از ناحیه زنان و از آن طریق در دل خانواده ها تضعیف می شود. بر این سیاق زن اجبارا اسیر در خانه و نگران از آینده اگر به فکر تبدیل ثروت خویش به اموال منقول برای دوره پیری و کوری نیفتد، لاقلا ناخواسته دختر را به حضور در جریان پر سود خرید و فروش کالایی جنس خویش ترغیب می کند و پسر را به بی وفایی روزگار غدار مومن می نماید و شوهر ارضا نشده از تمکین در قبال نفقه را به فکر تجدید فراش های آشکار و پنهان می اندازد. قاعدتا در چنین فضایی شهروندان، اعتماد و مشارکت مدنی را از دست می دهند و نه تنها وجدان کاری در بخش دولتی رو به سستی می گذارد که بخش خصوصی هم از حضور در روند سرمایه گذاری های بلندمدت و کلان ملی ناامید می شود. برای ایجاد و حفظ چنین باور مثبتی در میان شهروندان، اعلام اولویت های زمان بندی شده برای اصلاحات ساختی جنس - جنسیتی و پای بندی به اجرای راهکارهای پیشنهادی در برنامه های کلان الزامی است. عدم تاثیر تغییر دولت و عدم دخالت سلیقه ها و گرایش های جناحی در دولت به جای منافع ملی، به ثبات محیط اجتماعی - اقتصادی با تاکید بر ثبات سیاست های جنسیتی معطوف به نرخ سود تسهیلات بانکی، حداقل دستمزد، یارانه ها و نظایر آنها یاری می رساند. در این میان تصمیمات

اقتصادی بنگاه های خصوصی در زمینه ی سرمایه گذاری و تولید، تابع اعتبار سیاست های دولت و ایجاد سرمایه های اجتماعی است و این مهم جز به تحقق سیاست های نظارتی، ثبات نمی گیرد. در صورت نبود اطمینان به ثبات در فضای سیاسی - اقتصادی، سرمایه ی بخش خصوصی برای انباشت سرمایه کمتر در قبال تسریع برگشت هزینه ها به بخش هایی چون بازرگانی و خدمات سرازیر می شود و دولت را در سرمایه گذاری جنسیتی در بخش های سرمایه بر تنها می گذارد و خصوصی سازی واحدهای بزرگ صنعتی را بر این سیاق دشوار می سازد. لذا پای بندی دولت به اهداف بلندمدت و ایجاد فضای اعتبار و اطمینان در حوزه سیاست گذاری، مایه ی بهبود انگیزش های اقتصادی و مشارکت شهروندی می شود.

گردآوری تیم های کارشناسی در کنار قوای مقنن و ناظر برای پیگیری و هماهنگی و نظارت بر راهکارها و اهداف جنسیتی مندرج در برنامه ها همراه با ارزیابی مداوم سیاست های پولی و مالی دولت جهت ایجاد هماهنگی کارکردهای جنسیتی دولت می تواند زمینه ساز ایجاد نظم میان نهادهای دولتی و بخش عمومی به منظور تقویت حاکمیت قانون و شفافیت فرایندهای اجرایی - اداری و تسهیل و تسریع تحقق اهداف جنسیتی برنامه ها شود. از سوی دیگر تبدیل ثروت نفتی به سرمایه مولد به منظور پایدارسازی فرایند توسعه جنسیتی و تخصیص بهره برداری بهینه از منابع با پرهیز از توزیع جنسیتی رانت نفتی بر پایه انگیزه های سیاسی و برقراری انضباط و ثبات مالی در بودجه ی دولت، می تواند به کاهش تاثیر نوسانات درآمدهای نفتی بر هزینه های دولت و بازنگری مکانیسم

برداشت از صندوق ذخیره ارزی یاری رساند. تلاش بیشتر در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهت افزایش صادرات صنعتی و توسعه آموزش و پژوهش به واسطه کاستن تنش در روابط سیاسی و افزایش دامنه ی روابط اقتصادی با کشورهای منطقه و جهان به یاری تبعیض زدایی جنس - جنسیتی از مناسبات اجتماعی به منزله شاخص تبلور دموکراسی و حقوق مدنی ممکن است و این مهم هم به تقویت عزم ملی با افزایش مشارکت زنان و مردان شهروند از حیث پای بندی به قانون و برنامه و حضور رقابتی در اقتصاد جهان می انجامد و هم مشارکت نهادهای مدنی در طراحی و اجرای سیاست های دولت را به واسطه ی پاسخگویی دولت در برابر شهروندان و تامین ثبات سیاسی تقویت می کند. بدین سان تعامل سازنده میان دولت و بخش خصوصی و جامعه ی مدنی به منظور تقویت ایمان شهروندان زن و مرد به آینده ای روشن و تبدیل چالش ها به فرصت های ارزشمند از سوی آنان اوج می گیرد و اعتلای توسعه ی پایدار جامعه ما را تضمین می سازد.

شرکت تولیدی و مهندسی

حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

دارای تاییدیه ثبت ساخت دیگ بخار و آب داغ از TUV آلمانی

تولید کننده :

دیگ بخار	دیگ آب داغ و آب گرم
دیگ آبگرم	دیگ آبگرم
سیستم های گرمایش	سیستم های گرمایش
سیستم های گرمایش	سیستم های گرمایش

نشانی: تهران، خیابان طالقانی شرقی، شماره ۵۴۴، صندوق پستی: ۵۳۷۱-۱۵۸۷۵
تلفن: ۵۸۹۳-۷۷۶ - ۵۸۸۹-۷۷۶، فاکس: ۲۵۳۱-۷۷۶